

از سوی دیگر، طبق گزارش بانک جهانی، تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۴۰۲ حدود ۴۰۵ میلیارد دلار بوده که با رشد ۸ درصدی باید در پایان برنامه به ۵۹۵ میلیارد دلار برسد. به بیان دیگر، اقتصاد ایران باید در پنج سال حدود ۱۹۰ میلیارد دلار GDP جدید خلق کند. حدود نیمی از این رقم، مستقیماً باید از محل افزایش صادرات غیرنفتی تأمین شود؛ موضوعی که اهمیت راهبردی جهش صادرات غیرنفتی را به خوبی نشان می دهد.

بنابراین تحقق اهداف برنامه هفتم، بدون توجه ویژه به صنعت پتروشیمی در عمل ممکن نیست. تقویت این صنعت، هم مستقیماً به رشد صادرات غیرنفتی کمک می کند و هم به عنوان یکی از پیشران های اصلی، نقش مؤثری در تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی دارد.

با این حال، متأسفانه در همین قانون یعنی برنامه هفتم توسعه، با وجود هدفگذاری های انجام شده مبنی بر جهش صادرات غیرنفتی، نه تنها زیرساخت ها و مشوق های لازم در بخش پتروشیمی دیده نشده، بلکه در بندهایی مانند بند «پ» ماده ۹۹، معافیت های مالیاتی لغو و عوارض صادراتی تحت عنوان خام و نیمه خام فروشی اعمال شده است؛ اقدامی که در عمل می تواند روند توسعه صادرات غیرنفتی و بویژه پتروشیمی را کند یا متوقف کند. این تناقض ها سبب شده که نه تنها مزیت های سرمایه گذاری در پتروشیمی به درستی دیده نشود، بلکه گاهی انگیزه ها برای توسعه و افزایش صادرات نیز تضعیف شود.

■ از نگاه شما، آیا کشور به درستی به جایگاه راهبردی صنعت

پتروشیمی در اقتصاد، انرژی و ارزآوری کشور واقف است؟ در تصمیم گیری های کلان، همواره از اهمیت این صنعت سخن گفته می شود؛ اما از نظر بنده، درک دقیقی از نقش واقعی آن در اقتصاد ملی وجود ندارد. با وجود این نمی توان نگاه دولت به این صنعت را به صورت یکپارچه و یکدست توصیف کرد. دولت به طور کلی به این صنعت توجه دارد و نسبت به آن نگران است، اما در عمل، در حوزه سیاست گذاری، مقررات گذاری و تدوین آیین نامه های اجرایی این توجه به طور کامل منعکس نمی شود. مصادیق این مسأله متعدد است، اما می توان به چند محور اصلی اشاره کرد.

صنعت پتروشیمی در ادبیات رسمی به عنوان صنعتی صاحب مزیت معرفی می شود، اما این مزیت در عمل بیش از آنکه بالفعل باشد، بالقوه مانده است. حتی اگر این مزیت زمانی محقق شده، عمدتاً به دهه ۱۳۸۰ بازمی گردد؛ پس از آن به تدریج بخش مهمی از این مزیت تضعیف شده است؛ چه در سازوکارهای فروش و تأمین و چه در حوزه سیاست های حاکمیتی اثرگذار بر صنعت.

یکی از مهم ترین نمودهای این مسأله، نرخ خوراک و نظام قیمت گذاری مواد اولیه است. ایران کشوری با ذخایر قابل توجه کربنی، تنوع خوراک های گازی و مایع و دسترسی مناسب به دریاها و بازارهای بین المللی است. همچنین استقرار بخش مهمی از صنعت در سواحل، امکان بهره گیری از مزیت های لجستیکی و منابع آبی را فراهم کرده است. با این حال، تا زمانی که این مزیت ها در قالب تأمین پایدار و رقابت پذیر خوراک به طور عملیاتی محقق نشود، صرفاً در حد شعار و مزیت های روی کاغذ باقی می ماند و نمی تواند به موتور واقعی رشد صنعت پتروشیمی تبدیل شود. البته به تازگی وزارت نفت برای حل این مسأله اعلام آمادگی کرده است و ما هم با پیشنهاد های خود در این باره، آماده حل موضوع نرخ خوراک صنعت پتروشیمی با همکاری و همراهی دولت هستیم.

■ مهم ترین سوء برداشت درباره صنعت پتروشیمی در تعاملات

انجمن با دولت در کجا دیده می شود؟ یکی از مهم ترین سوء برداشت ها یا فاصله های ادراکی بین دولت

و صنعت پتروشیمی را باید در حوزه حکمرانی اقتصادی جست وجو کرد. بعد از خصوصی سازی صنعت پتروشیمی در دهه ۸۰، با وجود مشکلات متعدد و دغدغه های جدی فعالان این صنعت، بسیاری از مسائل اساسی همچنان پابرجا مانده اند.

به نظر من، دلیل اصلی این تأخیر در رفع مشکلات به نگاه ویژه به اقتصاد و نقش بخش خصوصی برمی گردد. آیا حکمرانی اقتصادی واقعاً بخش خصوصی و فعالان اقتصادی را به عنوان بازیگر اصلی پذیرفته و در تصمیم گیری ها مشارکت داده است؟ یا اینکه همچنان بخش دولتی خود را متولی اصلی و بدون مشورت بخش خصوصی می داند؟

با گذشت بیش از ۱۴ سال از خصوصی سازی، همچنان بخش خصوصی در تصمیم سازی نقش واقعی ندارد. به جای رویکرد برنامه محور و توسعه گرا، عمدتاً رویکرد بودجه محور حاکم است. در این رویکرد، توجه به بودجه های سالانه و کنترل هزینه ها اولویت دارد، اما برنامه ریزی بلندمدت برای جذب سرمایه گذاری و توسعه اقتصادی مغفول می ماند.

نتیجه این می شود که توسعه و سرمایه گذاری در صنعت پتروشیمی به جای رشد تدریجی و برنامه ریزی شده، با دستور و سیاست های مقطعی و محدود به بودجه های کوتاه مدت دنبال می شود. این مدل حکمرانی نه تنها کارآمد نیست، بلکه منابع و فرصت های بالقوه بخش خصوصی را هدر می دهد.

بنابراین برای عبور از این وضعیت، ضرورت دارد نگاه حکمرانی در حوزه اقتصاد بازننگری و اصلاح شود و بخش خصوصی به طور واقعی به عنوان نیروی محرکه توسعه شناخته و نقش آفرینی کند.

■ نقش صنعت پتروشیمی را در کاهش سوزاندن گازهای مشعل

چگونه ارزیابی می کنید؟ بخش قابل توجهی از منابع انرژی کشور از جمله گازهای مشعل در سال های گذشته به طور گسترده ای سوزانده شده اند و این افزون بر از دست دادن ارزش اقتصادی قابل توجه، اثرات مخرب زیست محیطی داخلی و بین المللی به دنبال داشته است. از طرف دیگر یکی از مواردی که صنعت پتروشیمی را در سال های اخیر متضرر کرده است، عدم تأمین پایدار خوراک بوده است.

جمع آوری گازهای مشعل تنها یک چالش فنی نیست، بلکه نیازمند ایجاد زیرساخت های نرم افزاری، اصلاح نظام قیمت گذاری و جذب سرمایه گذاری است. دولت نیز توان و وظیفه ندارد که به تنهایی وارد این حوزه شود، بلکه باید نقش تسهیل گر و فراهم کننده زیرساخت ها را ایفا کند تا بخش خصوصی و غیردولتی بتواند به طور مؤثر وارد عمل شود.

■ چه دستاوردهای مشخصی در سال های اخیر در حوزه

جمع آوری و بهره برداری از گازهای مشعل از سوی پتروشیمی ها حاصل شده است؟

در چند سال اخیر اقدام های بزرگی صورت گرفته است؛ از جمله بهره برداری پالایش گاز بیدلند خلیج فارس با سرمایه گذاری حدود ۴ میلیارد دلار که روزانه حدود ۴۵ میلیون مترمکعب گازهای همراه نفت را پالایش و بخشی از آن را به شبکه سراسری گاز تزریق می کند. شرکت پتروشیمی مارون نیز در این حوزه ورود کرده است. پالایش گاز هویزه هم یکی از مجتمع های ماست که هنوز فاز دوم آن به اتمام نرسیده اما یک فاز آن شروع به کار کرده و ۱۳۰ میلیون فوت مکعب از محل مشعل ها خوراک دریافت می کند.

این شرکت های پالایشی افزون بر تأمین خوراک پتروشیمی ها، محصولات ارزشمندی مثل بوتان، پروپان و پنتان تولید و صادر می کنند که درآمد صادراتی مناسبی برای کشور به همراه دارد. طرح های محیط زیستی مانند پروژه همت در عسلویه که از گازهای

جمع آوری گازهای مشعل تنها یک چالش فنی نیست، بلکه نیازمند ایجاد زیرساخت های نرم افزاری، اصلاح نظام قیمت گذاری و جذب سرمایه گذاری است. دولت نیز توان و وظیفه ندارد که به تنهایی وارد این حوزه شود، بلکه باید نقش تسهیل گر و فراهم کننده زیرساخت ها را ایفا کند تا بخش خصوصی و غیردولتی بتواند به طور مؤثر وارد عمل شود